

علیه وسلم دیده بودم یا تم و طبعی بر همان صفت پیش می سلام کرد
 جواب داد مرا نزد یک ^{لله} خود خوانده دکنی غریبمین داد پیش
 آن هم بنده خسر مابو و گفتیم یا این رسول الله فرمایند تا این
 میخوانم فرمود که اگر رسول صلی الله علیه وسلم بیشتر بنویسد این
 هم بیشتر میدادم **و از آنکه گفت** که دیگری گفته است که ریان
 بن الصلت با من گفت که میخوانم که از رضارضی الله عنه دستور می
 خوامی که بروی درایم و امید میدارم که مرا اجامه بوشاند از جامهای
 خود و در هیچی جنبه از آنها که پیام وی زده اند عطا فرمایند
 روای گوید که چون پیش رضا در آنم بنویزیم هیچ تکلفه بودم
 که فرمود که ریان بن الصلت میخواهد که در آید و امید میدارم که
 پر اجامه بوشانم و از در ابمی که پیام ما زده اند چیزی بوی دیم
 و برادر اید ریان در آنم و بر او و جامه و سی در هم عطا
 فرمود **و از آنکه گفت** که فضل طریق تا جبری را در راه
 که مان در برف گرفتند و دهان و برابری برف کردند زبان
 وی از کار برفت چنانکه باستانی سخن نمی توانست گفت چون

و در آن کتاب